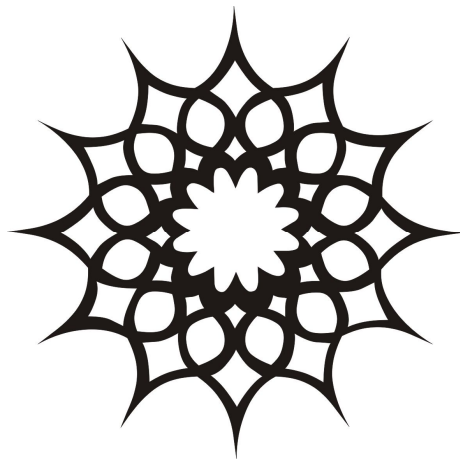


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده غرب شناسی و علم پژوهی

گروه تاریخ علم

پایان نامه دکتری رشته تاریخ علم دوره اسلامی

مبانی نظری و کارکردهای فلاحت نامه های دوره اسلامی

(سده ۴ تا ۷ هجری)

استاد راهنما:

دکتر مهدی محقق

استاد مشاور:

دکتر علیرضا منصوری

استاد مشاور:

دکتر شهرام یوسفی فر

پژوهشگر:

صادق حجتی

اردیبهشت ۱۳۹۸

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ * أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ.

(واقعہ ۶۴-۶۳)

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ
سَنْبَلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ.

(بقرہ، ۲۶۱)

علم تخم است، عمل زرع...

(رشیدالدین میبیدی)

به پدر فقیدم که مرد علم و عمل بود...

چکیده:

علم کشاورزی دوره اسلامی با عنوان کلی «فلاحت» شناخته می‌شود و «فلاحت‌نامه‌ها» مجموعه‌ای از متون علمی دوره اسلامی‌اند که به دانش کشاورزی و علوم مرتبط با اختصاص یافته‌اند. برای آشکار شدن جایگاه این شاخه علمی در تمدن اسلامی، می‌بایست در درجه اول دریافتی کاملاً دقیق از فلاحت‌نامه‌ها؛ مجموعه میراث مکتوب دوره اسلامی در باب دانش کشاورزی و علوم و مهارت‌های مرتبط با آن، داشته باشیم. تا کنون بیش از سی اثر با موضوع حاضر در پهنه جهان اسلام شناخته شده که عمدتاً در فاصله زمانی قرن ۳ تا ۹ هجری و در غرب عالم اسلامی نگاشته شده‌اند. در این پژوهش ضمن تعریف و قلمرو مباحث فلاحت‌نامه‌های دوره اسلامی، کارکردها و تحولات فنی فلاحت‌نامه‌های دوره اسلامی معرفی و ارزیابی شده است. در قسمت اخیر با ارزیابی وجوه مختلف فنی این متون از قبیل نویسندگان و مخاطبان، ویژگی‌ها و مختصات جغرافیایی فلاحت‌نامه‌ها و محتوای فنی و عملی دستورالعمل‌های تجویز شده سعی شده به سوالاتی از قبیل امکان و استفاده عملی متون فلاحتی پاسخ دهیم. دستورنامه فلاحت دوره اسلامی که از مجموع مطالب و محتوای این متون استخراج شده پایان‌بخش این پژوهش است.

فهرست مطالب

۸	فصل اول: کلیات
۱۰	طرح مسئله
۱۱	اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۳	سوالات و فرضیه‌های پژوهش
۱۵	قلمرو پژوهش
۱۶	پیشینه پژوهش
۱۹	مشکلات پژوهش
۲۰	ساختار پژوهش
۲۲	فصل دوم: سنت فلاحت دوره اسلامی؛ شکل‌گیری و مبانی
۲۲	زمینه تاریخی و سنت‌های تاثیرگذار در شکل‌گیری و تدوین آثار
۲۲	الف) زمینه تاریخی
۴۱	معارف فلاحتی سایر حوزه‌ها؛ عربی و هندی
۴۷	اعراب
۵۲	ب) بررسی لغوی، تعریف و قلمرو مباحث
۵۵	ج) جایگاه فلاحت و فلاحت‌نامه‌ها در تقسیم‌بندی علوم و صناعات دوره اسلامی
۵۹	د) تحلیل نظری فلاحت در دوره اسلامی
۵۹	نظام طبایعی عناصر چهارگانه
۷۲	فلاحت و نجوم
۸۱	آموزه‌های دینی (اسلامی)
۹۰	فصل سوم: بررسی توصیفی-تحلیلی منابع فلاحتی در دوره اسلامی
۹۰	الف) متون مفقود شده فلاحتی
۹۲	ب) فلاحت‌نامه‌های سده ۳ تا ۷ هجری
۱۵۷	ج) آثار جنبی فلاحتی

۱۶۸	فصل چهارم: کارکردها و تحولات فنی فلاحت‌نامه‌ها
۱۶۸	الف) کارکردها و اهداف تألیف متون فلاحتی
۱۷۶	ب) ارزیابی فنی فلاحت‌نامه‌ها
۱۸۱	ج) تکمله؛ زمینه‌های تاریخی رونق فلاحت‌نامه‌ها در اندلس
۱۸۸	فصل پنجم: دستورنامه فلاحت در دوره اسلامی
۱۸۸	رده‌بندی و گونه‌شناسی محصولات
۱۹۲	تقویم کشاورزی
۱۹۲	تمهیدات
۱۹۶	کاشت/داشت
۱۹۷	گونه‌های متوافق و متنافر
۱۹۷	دفع آفات
۱۹۸	تفلیح و هرس / پیوند
۱۹۹	اصلاح گونه: اصلاح گونه
۲۰۰	آبیاری
۲۰۰	برداشت
۲۰۱	انبارداری و ذخیره محصولات
۲۰۱	ادوات کشاورزی
۲۰۱	دامپروری در پیوند با فلاحت
۲۰۲	نتیجه‌گیری:
۲۰۴	منابع و مأخذ:

اختصارات:

دبا: دایرة المعارف بزرگ اسلامی

جهان اسلام: دانشنامه جهان اسلام

EI¹: *Encyclopaedia of Islam [edition 1]*

EI²: *Encyclopaedia of Islam [edition 2]*

فصل اول: کلیات

«هدف از نوشتن تاریخ علم خلاصه کردن یا در هم فشردن پیچیدگی‌های گوناگون فرآیندهای تاریخی در نوعی چکیده یا جمع‌بندی نیست، برعکس قصد عمده از پژوهش تاریخی برملا کردن غنای حیرت‌انگیز پدیده‌های مربوط به هر یک از مراحل سرگذشت آدمی است تا واکنشی باشد در برابر تمایل طبیعی به ساده‌گرایی بیش از اندازه و فلسفه‌بافی‌هایی که ندیمان وفادار جهالت و نادانی‌اند». (نویگه باور، ۱۳۷۵، ۲۵۱)

مقدمه

از دیرباز و بر اساس تصور رایج در دوره اسلامی و پیش از آن در یونان قدیم، شاخه‌هایی از علوم مانند ریاضیات و هندسه یا نجوم، دارای موضوع، ساختار و شیوه‌های مشخصی از استدلال بودند و از این رو در نظام معرفتی و طبقه‌بندی علوم مرسوم، جایگاهی تثبیت شده داشتند. منطق درونی یادشده در شاخه‌های کلاسیک علوم، کار پژوهشگران تاریخ علم در این رشته‌ها را به مراتب آسان‌تر می‌کند. ریاضیدان امروزی که می‌خواهد از چند و چون ریاضیات یونانی یا دوره اسلامی آگاه شود، کار نسبتاً آسانی دارد. چه اینکه آنها در تحقیق خود جدای از زبان و شکاف تاریخی، با موضوع، چارچوب‌ها و موارد مشخصی از مباحث روبرو هستند. حتی بسیاری از نظریات مربوط به حوزه فلسفه علم نیز بر الگویی استوار گشته که از این دسته از علوم نشأت گرفته است. نمونه آن؛ نظریه‌های فیلسوفان علم دوره معاصر است که بر پایه دستاوردهای فیزیک ریاضی دو قرن اخیر بنا شده است.

در مقابل دسته بزرگی از شاخه‌های علمی از این مواضع و ساختارهای مشخص محروم بودند و حتی تا روزگار ما نیز از این وضعیت‌هایی نیافته‌اند. شاخه‌هایی از طبیعیات مانند آثار علوی، کیمیا، جانورشناسی، کشاورزی، کانی‌شناسی و حتی بخش‌هایی از پزشکی / داروشناسی، جغرافیا و نجوم (بخش احکام نجوم) از دسته اخیراند. این شاخه‌های علمی در نظر اول احياناً مجموعه‌ای از اطلاعات پراکنده می‌نمایند که دارای منشاء گوناگونی از باورهای عامیانه، اسطوره‌ها، آموزه‌های دینی،

ادبیات و غیره‌اند. تأکید بر شاخه‌های ریاضی به قیمت نادیده گرفته شدن بسیاری از شاخه‌های علمی دسته دوم بوده است و تأثیر آن را می‌توان آشکارا در تقسیم‌بندی کلاسیک علوم دید. در حالی که در نظر گذشتگان همواره همگی این شاخه‌ها بیش و کم در شمار علوم و معارف بشری قرار داشتند و بی‌شک نمی‌توان اهمیت پژوهش‌های این حوزه را در شناخت دقیق از علم و سیر تاریخی مفهوم و تلقی از آن نادیده گرفت.

از سوی دیگر، به غیر از فوائد علمی مستقیم، پژوهش‌های این حوزه دارای اهمیت و اعتباری بیشتر از قلمرو خاص خویش‌اند. بدین ترتیب که به جهت بازتاب شرایط تاریخی و اجتماعی در متن آن‌ها، برای وقوف به این دست اطلاعات به مراتب راه‌گشاتر از دسته اول‌اند و بنابراین از این منظر، ذی‌قیمت‌تر می‌نمایند. تقریباً همه محققان به این نکته اذعان دارند که استفاده تاریخی محض از مثلاً یک متن ریاضی یا نجومی برای شناخت ادوار تاریخی بسیار دشوارتر از میراث دسته دوم است. چه اینکه در مثال اخیر، ریاضی‌دان یا منجم مفروض ما بیش از آنکه با مردمان زمانه در ارتباط باشد، با جمع بسیار محدود ریاضی‌دانان و منجمان گذشته یا حال خود در گفت‌وگو است و نهایتاً نمودار بخش کوچکی از فکر و نه حتی کل منظومه اندیشه ایشان است. در حالی که در آثار دسته دوم، در غالب موارد چهره‌ای از زندگی و یا دست‌کم عقاید عموم مردم در کنار خواص و گزیدگان علمی دیده می‌شود. از این رو بسیاری از فوائد تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی در این گونه آثار جلوه‌گر است.

دانش کشاورزی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های علمی دسته اخیر است. کشاورزی به عنوان یک رشته علمی، یکی از آخرین شاخه‌هایی بود که جامعه یونانی در نظام معرفتی و فرهنگی خود وارد و به رسمیت شناخت. چه این شاخه از طبیعیات به شدت از تجربیات شخصی متأثر و سرچشمه گرفته بود و بخش بزرگی از عملیات آن نیز با توجه به عادات فرهنگی و محیطی انجام می‌گرفت. در نگاهی کلی‌تر جای دادن کشاورزی به عنوان یکی از مهم‌ترین و گرانبه‌ترین دست‌آوردهای تمدنی بشر در دو مقوله مهارت (Skill/Artifice) یا دانش (Educatio/knowledge) همواره محل بحث و مناقشه برانگیز بوده است. چه همان‌طور که اشاره شد، تفاوت‌های عمده‌ای میان کشاورزی و شاخه‌های علمی پذیرفته شده‌ای چون ریاضیات یا نجوم وجود دارد. این تفاوت‌ها تقریباً در تمام وجوه یک رشته علمی رسمیت یافته قابل شناسایی است. برای مثال از همان مرحله آغازین هر پژوهش علمی؛ تجمیع داده‌ها، اختلاف‌ها آشکار می‌گردد؛ سیر تاریخی کشاورزی در مراحل اولیه، گویای شکل‌گیری این میراث بر پایه مشاهداتی غالباً پراکنده و اتفاقی از تجارب عمومی بشر است. اما با بررسی همان سیر تاریخی نمی‌توان تجربیات کنترل‌شده و آزمون و خطاهای مکرر، هرچند ابتدایی را، در این دوره نسبتاً طولانی نادیده گرفت.

این چالش‌ها و مناقشات در باب علم کشاورزی دوره اسلامی که با عنوان کلی «فلاح» شناخته می‌شود، نیز مطرح بوده

است. طبیعتاً برای آشکار شدن جایگاه این شاخه علمی در تمدن اسلامی، می‌بایست در درجه اول دریافتی کاملاً دقیق از فلاح‌نامه‌ها؛ مجموعه میراث مکتوب دوره اسلامی در باب دانش کشاورزی و علوم و مهارت‌های مرتبط با آن، داشته باشیم. امری که علی‌رغم پاره‌ای تلاش‌های اولیه، به طرز شگفت‌انگیزی تاکنون مغفول مانده است. چندان که ناشناخت اطلاعات این دسته از متون به پاره‌ای برداشت‌های کاملاً غلط، اما به ظاهر موجه و پذیرفته‌شده منجر شده است. چه بسا پیچیدگی پاره‌ای از مطالب این آثار که با آموزه‌های رمزی و علوم غریبه در آمیخته و نیز عدم انسجام بخش دیگری از مطالب آن‌ها و در مجموع تازگی و ظرافت نسبی موضوع که از دشواری‌های عمده پژوهش در این عرصه بوده، زمینه ساز این برداشت‌های خطا بوده است. بنا بر احصاء نگارنده، تا کنون بیش از سی اثر با موضوع حاضر در پهنه جهان اسلام شناخته شده که عمدتاً در فاصله زمانی قرن ۳ تا ۹ هجری و در غرب عالم اسلامی نگاشته شده‌اند. سیر تاریخی تألیف این متون در تمدن اسلامی، چندان که به تفصیل در این پژوهش اشاره خواهد شد، شامل فرآیند بلوغ علمی؛ بازه‌ای در حدود دو قرن و در ابتدا شامل ۱۲۰ سال ترجمه، تفسیر و تألیف و پس از آن، تدوین آثار مفصل با شواهدی از مشاهدات دست‌اول و اصیل و هم تراز با آثار کلاسیک یونانی و رومی همچون تئوفراسوس و گلوکلا را دربرمی‌گیرد. از این رو شناسایی و معرفی اجمالی سیر تاریخی این متون و ایضاً پاره‌ای از مباحث مطرح درباره این رساله‌ها، بالاخص مبانی و کارکردهای آن‌ها رسالت اصلی پژوهش حاضر است.

طرح مسئله

پرسش‌هایی که در ابتدای تحقیق حاضر و در مرحله نگارش پروپوزال طرح گردید به مانند سایر پژوهش‌ها و بالاخص پژوهش‌های تاریخی طی فرآیند پژوهش به پرسش‌های جدیدی منجر گردید. از این رو مسئله اصلی پژوهش نیز تا حدی در نتیجه مطالعات بیشتر و دقیق‌تر دگرگون و به حالت کنونی درآمد؛ مسئله اصلی پژوهش حاضر شناخت در حد امکان دقیق از "تعریف، قلمرو مباحث و مبانی نظری و کارکردهای" متونی است که در سنت علوم دوره اسلامی با عنوان "فلاح‌نامه" ترجمه و در مرحله بعدی تألیف شده‌اند. به عبارت دقیق‌تر در این پژوهش به دنبال دریافت علما و دانشوران قرون میانه از علوم کشاورزی و حدود و ثغور آن هستیم. از این رو با در نظر گرفتن بافت تاریخی متون و پرهیز از رویکرد زمان‌پریشی^۱، سعی شده به جای برداشت‌ها و تفاسیر امروزی از داده‌های متون و مآلاً تطبیق و ارزش‌گذاری دانش کشاورزی گذشتگان با معیارهای دانش امروزی، با ارائه مبانی و نیز پرده‌برداری از

1. Anachronical

مفروضات پنهان معرفت‌شناختی، فلسفی و گاهاً دینی این دسته از متون، تصویری منسجم از آنچه مؤلفان فلاحت‌نامه‌ها، خود آگاهانه در پی طرح و انتقال آن به مخاطبین (قاعدتاً معاصر) بوده‌اند، ارائه کنیم. چه تنها با در پیش گرفتن نگاه درزمانی^۲ است که می‌توان ناسازگاری‌های متن و بخش‌های مرتبط با باورهای عامیانه و علوم غریبه فلاحت‌نامه‌ها را در چشم‌انداز درست آن فهم و تبیین کرد و به مانند برخی از پژوهشگران، آن‌ها را به دیده مهملات خرافی ننگریم.

از سوی دیگر تأکید بر متن فلاحت‌نامه‌ها و متناظر با آن بی‌توجهی به کارکردها و تأثیرات واقعی این دسته از متون در بافت اجتماعی و اقتصادی جامعه اسلامی قرون میانه، بالاخص با در نظر گرفتن موارد متعددی از شواهد و تقیض‌های که به آن‌ها اشاره خواهد شد، تصویری ناقص و یا دست‌کم پراکنده و نامفهوم از تاریخ دانش کشاورزی دوره اسلامی به دست خواهد داد. در چنین تصویری مرز میان واقعیت تاریخی محقق شده و داده‌های متون به مثابه نسخه‌های تجویزی و توصیه شده نامشخص خواهد بود. از این رو و برای پرهیز از مشکل اخیر در رویکرد ما به این حوزه، تنها تحولات متون و آراء علمای فلاحتی مدنظر نبوده و به معنای وسیع کلمه به دنبال بافت اجتماعی و نهادی و تأثیرگذاری‌های این دسته از متون را نیز بررسی کرده‌ایم. برای تحقق هدف اخیر در کنار فلاحت‌نامه‌ها از دسته دیگری از متون و منابع از قبیل متون تاریخ عمومی، جغرافیایی، دینی-حقوقی (مانند متون حسبه) به عنوان آثار جنبی فلاحتی استفاده شده که در بخش بررسی منابع به تفصیل از آن‌ها یاد شده است.

البته هدف بیشتر ترکیب و تلفیق این دو دسته از متون بوده و نه جامعیت و دایرة‌المعارف نگاری برای فلاحت دوره اسلامی و امیدوارم این هدف به بلندپروازی خام‌اندیشانه تعبیر نشود.

اهمیت و ضرورت پژوهش

پژوهش در حوزه فلاحت‌نامه‌ها و تلاش برای شناخت بیشتر از ساختارهای کشاورزی دوره اسلامی از چند جهت حائز اهمیت است؛

نخست اینکه این حوزه در بازشناسی میراث تمدنی و دوره اسلامی یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مغفول‌مانده در مطالعات تاریخ علم است. چه با وجود چاپ انتقادی تعدادی از کتاب‌های فلاحتی، بسیاری از مسائل و سؤالات پژوهشی این حوزه همچنان ناشناخته است. ده‌ها دست‌نوشته پراکنده در کتابخانه‌های مختلف جهان مطالعه و بررسی نشده و شناخت دقیقی از مبانی و تحولات آن در دست نیست. دانش ما راجع به فن‌آوری کشاورزی دوره میانه اسلامی تا درجه بالایی بر استنباط آن از رهگذر مشاهدات مدرن مبتنی است تا بررسی اسناد و مدارک دست اول. به همین خاطر لازم است به این پرسش که

فلاحت دوره اسلامی در گذر قرن‌ها چه اندازه تغییر کرده است، عنایت ویژه‌ای داشته باشیم.

این شناخت البته محصور به حوزه تاریخ علم نیست و در فهم ما از بسیاری از ساختارهای اقتصادی و اجتماعی دوره اسلامی مؤثر خواهد بود. چه اینکه دانش کشاورزی نماینده «ساختارهای زراعی» به معنی "شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی؛ عوامل مختلفی چون مذهب، سامان مالکیت زمین، نوآوری‌های تکنیکی و حتی شرایط بازار و... است. برای مثال شاید اطلاعات به دست آمده از این قبیل متون به آگاهی ما از کشاورزان و طبقه دهقانان خرده‌پای جوامع اسلامی بیافزاید. افرادی که بنای درخشان تمدن اسلامی مدیون کار پیوسته ایشان بود و ما مشتاقیم دست‌کم در متون فلاحی اندک تشخیصی برای ایشان (بی آنکه در این امر اغراق کنیم) بیابیم. اما متأسفانه در این متون نیز مطالب زیادی برای بازگویی نداریم.

از سوی دیگر شناخت دقیق از چارچوب و مسائل این حوزه ما را به طرح رهیافت‌های جدید و دقیق‌تر از روند تحول علمی و در پژوهش‌های آتی به سوی صنعتی شدن در کشورهای اسلامی و بالاخص ایران یاری خواهد کرد. به طور مشخص پاسخ به این سوال که چه زمینه‌ها و عواملی باعث ناکارآمدی دانش سنتی کشاورزی در ایران شد و آن را از تأمین نیازهای ایران سده‌های معاصر بازداشت و نهایتاً جامعه ایرانی را واداشت تا به علوم و فنون کشاورزی غربی و تأسیس «مدرسه فلاح» در دوره مظفری روی آورد؟ پاسخ گفتن به این پرسش‌ها مستلزم شناخت عمیق‌تری از فرآیندها و دقایق دانش فلاحت دوره اسلامی و شناخت نقاط ضعف و قدرت احتمالی آن است. چه اینکه پس از جایگزینی و استقرار دانش کشاورزی جدید نیز ظاهراً مشکل بخش اقتصادی کشور لاینحل باقی ماند. آیا می‌توان عوامل دیگری را در این زمینه دخیل دانست؟

پاره‌ای از این متون فلاحی مورد مطالعه در این پژوهش، تاریخ ورود اولیه و رواج محصولات کشاورزی و در مواردی مسیرهای عبور آن‌ها در مناطق مختلف جهان اسلام را مشخص می‌کنند. بررسی این مسیرها جدای از اهمیت آن برای گسترش محصولات مورد مطالعه به جهت آنکه شریان گسترش بوده‌اند، ارزشمند است، زیرا بسیاری از محصولات جدید دیگر نیز از همین مسیرها عبور کرده‌اند و مهم‌تر آن که در شکل گرفتن قلمرو اسلام نقش داشته‌اند.

از سوی دیگر با بررسی سنت فلاح‌نامه نگاری دوره اسلامی به عنوان یکی از شاخه‌های علم دوره اسلامی می‌توان به رهیافت‌های عمده‌تری در باب منشاء، جریان‌های تأثیرگذار، زمینه‌های شکل‌گیری و ... علوم در پهنه جهان اسلام دست یافت. چه به نظر می‌رسد فلاحت به دلیل اهمیت و گستردگی تأثیر اجتماعی و اقتصادی آن نمونه مناسبی برای بررسی برخی از این مسائل خواهد بود. چه رشد سنت فلاحی اندلس و روابط مابین دانشوران این حوزه را می‌توان با بسط پاره‌ای عوامل و نتایج به مثابه الگویی برای تحلیل‌های کلان‌تر و در نهایت تعیین شبکه ارتباطات علمی جهان اسلام و دیگر حوزه‌های

علمی و تمدنی در نظر گرفت. چندان که در برخی موارد پیگیری سیر تاریخی این آثار آگاهی‌های دقیقی از زمان و شرایط تماس فرهنگی-تمدنی جوامع کهن و نیز ارزیابی دقیقی از نوآوری‌ها و اصلاحاتی که اقتباس‌کننده در مورد روش‌ها و محتوای آثار اعمال کرده، به دست می‌دهد.

آنچنان که در مقدمه بحث اشاره شد مطالعه این دست آثار برای کسانی که در عرصه فلسفه علم فعالیت دارند، نیز مفید می‌نماید. از این رو که تلقی رایج درباره علم که به جز ریاضی و فیزیک را غیر علمی و یا در درجه پایین‌تر از معرفت می‌پندارند، تعدیل و دیدگاهی جامع‌تر درباره آنچه که پیشینیان به عنوان علم پذیرفته‌اند، به دست می‌دهد. از این منظر طبیعتاً پژوهش‌های بیشتر در فلاح و شاخه‌های علمی مشابه در برداشت‌های فیلسوفان علم و بسیاری از مباحث فلسفه علم تأثیرگذار خواهد بود.

سوالات و فرضیه‌های پژوهش

الف) سوالات:

سوالات اساسی در این زمینه از این قراراند؛

فلاح‌نامه‌ها به چه دلیل و برای چه کسی و مبتنی بر چه تجربه عملی نگاشته می‌شدند؟
آیا کشاورزانی که به صورت عملی به کار کشت و زرع می‌پرداختند به آثار علمی نگاشته شده در حوزه فلاح دسترسی داشتند؟

نوآوری‌های صورت گرفته در متون فلاحی در کار عملی ایشان تأثیر و بازتابی داشت؟

آیا روش‌های مرسوم در کشاورزی عملی منطبق بر یافته‌های علمای فلاحی تغییر می‌یافت؟

فلاح‌نامه‌های دوره اسلامی به چه منظوری نگاشته شده و چه کارکردی داشته‌اند؟

مهم‌ترین وجوه نظری و تئوریک در فلاح‌نامه‌ها، چه مسایلی را در بر می‌گرفت؟

سیر تحول ساختاری و محتوایی فلاح‌نامه‌ها بر چه الگویی استوار است و چه جریان‌ها و یا مکاتب عمده‌ای در فلاح‌نامه‌نگاری دوره اسلامی قابل شناسایی است؟

ب) سوالات فرعی:

فلاح‌نامه‌ها راهنمای عمل کشاورزی بوده و در آن نقش سازنده‌ای داشته‌اند؟ یا بالعکس این متون گزارشی از عمل و فرآیند کشاورزی عصر خویش‌اند؟

فلاحت‌نامه‌ها توسط چه کسانی نگاشته می‌شدند؟ این افراد در شمار علما محسوب می‌شدند؟

مخاطبان این دسته از متون چه کسانی بودند؟

ب) فرضیه‌های پژوهش

۱. مدعای اصلی پژوهش حاضر بدین قرار است: «فلاحت‌نامه‌ها دارای کارکرد عملی بوده و شکل‌گیری و گسترش فلاحت‌نامه‌نگاری در دوره اسلامی پاسخی به نیازهای موجود در جامعه اسلامی قرون میانه برای ارائه راهنمایی تئوریک و عملی در حوزه کشاورزی بوده است» بر این اساس می‌کوشیم با بررسی فلاحت‌نامه‌ها و ارائه شواهد لازم به نظریات مخالف با مدعای حاضر و نقدهای مربوط به آن پاسخ دهیم. چرا که به نظر ما تصریح بر چنین نظری بدون وجود شواهد کافی که می‌بایست از بررسی متون فلاحت‌نامه‌ها سنجیده شود، موجه نیست.
۲. گسترش حوزه متصرفات اسلامی و رونق شهرنشینی در سده‌های اولیه اسلامی که افزایش تقاضای محصولات کشاورزی را در پی داشت و نیز شکل‌گیری مجموعه‌های بزرگ کشاورزی در قالب نهادهای اقطاع‌داری و خالصه، ابزاری برای ترویج و حمایت از کشاورزی و در بعد عملی راهنمای فعالیت کشاورزی و زراعت را می‌طلبید. این نیاز با تدوین مجموعه فلاحت‌نامه‌ها پاسخ داده شد.
۳. بر اساس مطالعات اولیه و با در نظر گرفتن پراکندگی جغرافیایی و گستره کمی و کیفی فلاحت‌نامه‌ها به نظر می‌رسد این متون متأثر از حوزه جغرافیایی تولید شده در آن، دارای عناصر ویژه‌ای بوده و دو سنت متمایز شرقی (ایران/عراق) و غربی (اندلس/سوریه) را می‌توان در ساختار و محتوای آن‌ها شناسایی و معرفی کرد. این امر خود مؤید مدعای فوق برای کاربردهای عملی فلاحت‌نامه‌ها و توضیحی درباره تفاوت مطالب و ساختار آن‌ها با یکدیگر است.
۴. فلاحت‌نامه‌ها توسط دسته‌ای از دانشورانی نگاشته می‌شدند که علاوه بر تخصص در حوزه‌های نظری علوم مرسوم زمانه، به مناسبت مسئولیت‌های حاکمیتی و دیوان‌سالارانه در درجه اول دغدغه تألیف و تدوین دانش فنی شفاهی در قالب مکتوب و در مرحله بعدی ارتقاء اعتبار فرهنگی این حوزه در نظام طبقه‌بندی علوم و صناعات در دوره میانه را داشته‌اند. در واقع این دسته سخن‌گویان دانش فنی و عملی پیشه‌ورانی بودند که به صورت معمول دارای مرتبه اجتماعی پایین‌تری بودند.
۵. در مقابل گروه تدوین‌گران فلاحت‌نامه‌ها، اگرچه عامه دهقانان به دلایل پیش‌گفته از توانایی و زمینه استفاده از اطلاعات فلاحت‌نامه‌ها برخوردار نبودند، وجود نهادهایی چون اقطاع و خالصه و استفاده از حضور مباشران و

اقتلاع داران در رأس زمین‌های بزرگ این امکان را منتفی نمی‌سازد که گروه نخبه‌ای زمین‌دار و اقتلاع‌دار کلان، از دانش مذکور برای حصول محصول و درآمد بیشتر استفاده کرده باشند.

۶. در بعد نظری فلاح‌نامه‌های اولیه بر پایه مبانی فلسفه یونانی و بالخصوص طبیعیات ارسطویی و در قالب مسائلی چون تفسیرهای مربوط به عناصر اربعه و یا شرایط پیدایی و نمو نفس نباتی و... استوار بود. به مرور زمان و با تألیف آثار بومی برخی از آموزه‌های دینی مانند تلقی کشاورزی به مثابه سنت دینی و یا آموزش کشاورزی نخستین از طریق وحی و... بر ابعاد تئوریک این متون افزوده شد. هم‌زمان با این روند جنبه‌های سحری و احکام نجومی این گونه متون که از فرهنگ‌های نخستین نبطی و رومی برجای مانده بود، از ادبیات فلاح‌نامه‌ها حذف و یا با آموزه‌های اسلامی (دعاها و اوراد باران‌خواهی و دفع آفات و...) جایگزین گردید.

قلمرو پژوهش

الف) قلمرو مکانی:

به منظور دریافتی جامع و احصاء کامل از موضوع و به دلیل فقدان سابقه پژوهشی مناسب در این حوزه، قلمرو مکانی طرح «جهان اسلام؛ سرزمین‌های اسلامی» در نظر گرفته شده است. مراد از جهان اسلام؛ پهنه جغرافیایی و حوزه فرهنگی و تمدنی کهنی است که پس از ظهور اسلام و در پی فتوحات اسلامی به وجود آمده و تا تشکیل واحدهای سیاسی دولت-ملت در این پهنه ادامه یافت. اگر چه این متون عمدتاً در حوزه جغرافیایی عراق/ ایران، اندلس و تا حدودی قلمرو مملوکی تولید شده است.

ب) قلمرو زمانی:

با عنایت به بررسی‌های اولیه سده ۴ تا ۷ قمری به عنوان بازه زمانی پژوهش در نظر گرفته شده است. انتخاب این قلمرو زمانی با توجه چند عامل مهم صورت گرفته است؛ نخست اینکه در حال حاضر ما هیچ اثر فلاحی مربوط به پیش از قرن چهارم هجری نمی‌شناسیم. دوم؛ این دوره را می‌توان دوره اوج و شکوفایی سنت فلاح‌نامه‌نگاری در دوره اسلامی قلمداد کرد. چه علاوه بر تدوین شمار قابل توجهی از متون در این بازه (بیش از ۲۰ فلاح‌نامه از میان قریب به ۴۰ متن شناسایی شده دوره اسلامی)، فلاح‌نامه‌های این مقطع به لحاظ محتوایی نیز نسبت به متون اولیه ترجمه شده، دارای اطلاعات فنی و مفصل‌تری هستند. از سوی دیگر در قرن هفتم هجری شاهد تقسیم قلمرو یکپارچه خلافت اسلامی هستیم. از این مقطع و با سقوط بغداد و مالاً تشکیل دولت‌های ایلخانی، مملوک پیوستگی تاریخی و جغرافیایی قلمرو

یکپارچه خلافت اسلامی از میان رفته و ارتباطات فرهنگی و تمدنی این سرزمین‌ها تا حدود زیادی محدود گردید. بنابراین فلاح‌نامه‌های سده‌های ۴ تا ۷ هجری را می‌توان نماینده دانش کشاورزی شکل‌گرفته در عرصه تمدن اسلامی قلمداد کرد.

پیشینه پژوهش

چندان که در مقدمه اشاره شد، با وجود تنوع موضوعات و مباحث چالش برانگیز مرتبط با فلاح، این رشته از پژوهش‌ها از سوی مورخان و پژوهشگران تاریخ علم که عمدتاً بر رشته‌های کلاسیک تأکید دارند، نادیده گرفته شده است. به طوری که متأسفانه تا کنون پژوهش مستقل و جامعی درباره دانش کشاورزی در دوره اسلامی منتشر نشده است. عمده آثار پژوهشی مربوط به این حوزه درباره تاریخ عمومی کشاورزی، محصولات و یا فناوری‌های مرتبط با آن چون آبیاری و قنات و یا از منظر تاریخ اقتصاد کشاورزی، مناسبات و قوانین زمین‌داری و... صورت گرفته است. با این حال آثار منتشر شده در این حوزه در چند محور قابل دسته‌بندی است:^۲

بخش بزرگی از پیشینه پژوهش حاضر به چاپ انتقادی فلاح‌نامه‌ها و مقدمه و شرح مصححان این دست آثار مربوط است؛ محققان خارجی در چاپ و عرضه این آثار پیشگام بوده‌اند. اگر از ترجمه‌های کاستیلی آثار ابن‌واقد و ابن‌بصال در دوره حکومت آلفونسو در اسپانیا (قرن ۱۳م) چشم‌پوشی کنیم، از متقدم‌ترین نمونه‌ها می‌توان به چاپ و ترجمه اسپانیایی اثر ابن‌عوام اشبیلی در سال ۱۸۰۲م توسط ژوزف بانکوئری، چاپ *فلاحه‌النبطیه* توسط کاترمر در ۱۸۳۵ و پژوهش‌های رنان، گوتشمید، نولدکه، نلینو و از متاخرین کراوس و... در این حوزه اشاره کرد. پژوهش‌هایی که غالب آن‌ها توسط فؤاد سزگین در مؤسسه تاریخ علوم اسلامی و عربی وابسته به دانشگاه فرانکفورت ذیل مجموعه *دانش طبیعی در اسلام* (Natural Sciences in Islam) تجدید چاپ شده‌اند. هدف این انجمن برای پژوهش در تاریخ علوم اسلامی و عربی زدودن تصورات نادرست موجود درباره‌ی تطور علوم و مشارکت در ارائه‌ی الگوی یک دانشمند مسلمان است که در عین حال با تحولات فرهنگی جهان امروز هماهنگ باشد. این مؤسسه علاوه بر نشر متون فلاحی در بخش دیگری موفق شده که نمونه‌هایی از دستگاه بزرگ رایج کشاورزی دوره اسلامی؛ بالابرنده آب برای آبیاری زمین‌های کشاورزی را بازسازی کند.

خود سزگین گزارشی مختصر از متونی را که در جلد‌های ۲۰ تا ۲۶ مجموعه اخیر به چاپ رسانده در تاریخ نگارش‌های

۳. برای کتابشناسی آثار معرفی شده در این قسمت به بخش منابع و مآخذ رجوع شود.

عربی (علم النبات و کشاورزی) آورده است. از همین دست پژوهشگران، توفیق فهد علاوه بر چاپ انتقادی متن *فلاحة النبطیه* در مقاله‌های دیگری خود بررسی‌های مفصلی از مطالب آن به دست داده است. در میان شمار زیادی از پژوهش‌های همین مؤلف راجع به ابن وحشیه دو مورد به‌طور خاص با موضوع بحث ما ارتباط دارد: «راهنمای بهره‌برداری کشاورزی براساس متن *فلاحة النبطیه*» و «تقویم فعالیت‌های کشاورزی بر اساس *فلاحة النبطیه*». بررسی کلی و فشرده‌ای از موضوع پژوهش ما را می‌توان در مدخل «فلاحت» (Filaha, ET²) که توسط محققان مختلفی چون مصطفی الشهابی، لمبتون، کاولین و... نگاشته شده، مشاهده کرد.

نظام‌مندترین پژوهش برای ارزیابی کارنامه عملی کشاورزی در جهان اسلام را می‌توان در جستارهایی از اندرو واتسون مشاهده کرد. او در کتاب ارزشمندش؛ *نوآوری‌های کشاورزی در قرون اولیه اسلام* همراه با یک کتاب‌شناسی مفصل و یادداشت‌های طولانی و انتقادی به این موضوع پرداخته است. واتسون بیشتر محقق شیفته امکان می‌نماید، اما دایره اسنادش بسیار وسیع است و بسیار از آن بهره گرفته است. به باور او میراث متون فلاحتی دوره اسلامی جزو ابزارها و شگردهایی بود که برای تحول عمده کشاورزی در جهان اسلام و به تعبیر او «انقلاب سبز» لازم بود. رشته کاملی از ابزارها و روش‌های کشاورزی در پژوهش سودمندی با عنوان *کشاورزی در عراق در قرن سوم هجری* به قلم حسام قوام سامرایبی بررسی شده است.

سنت فلاحتی اندلس و کاربردهای عملی آن در یک تک‌نگاشت پراهمیت به قلم لوسی بولنز و با عنوان *روش‌های فرهنگی در قرون میانه بر اساس رساله‌های فلاحتی اندلس: سنن و فنون* که با عنوان *دانش کشاورزی در اندلس قرون وسطی* و به انضمام سه مطالعه فنی جدید باز چاپ شده است. بیان مجملی از نتیجه‌گیری‌های او را می‌توان در مقاله‌اش با عنوان «کشاورزی اسپانیایی - عرب در قرون میانه» ملاحظه کرد. جلد سوم *تاریخ اسپانیای مسلمان* (۳ جلد، ۱۹۴۴-۱۹۵۳) اثر کلاسیک ای. لوی-پرونسال با عنوان «عصر خلافت قرطبه» که فصل‌های پر و پیمانی را به کشاورزی و حیات اقتصادی اختصاص داده، به مراتب پرمایه‌تر است اما فقط به قرن دهم پرداخته است.

آفت عمده پژوهش‌های عربی؛ بزرگ‌نمایی دستاوردهای مسلمانان در شاخه‌های مختلف علوم و مدیون دانستن غربیان در همه عرصه‌ها به اخلاف مسلمان آن‌ها است. این آفت به نوعی به تصور کلان محققان عرب و مسلمان از سیر تاریخی علم در جهان اسلام و ربط و نسبت آن با علوم جدید غربی باز می‌گردد. هر چند تعداد و البته تأثیر این دست از نگاشته‌ها بسیار است، ما از معرفی آن‌ها خودداری کرده‌ایم. کافی است از اثر مظفر حسین؛ *ترویج کشاورزی در بستر فرهنگ اسلامی* یاد کنیم. (حسین، ۱۳۸۰) از آثاری که از این آفت به دوراند، *الفلاحة فی الفكر العربی الاسلامی* عنوان رساله دکتری زید صالح

عبدالله در دانشگاه اردن است. او در این رساله به بررسی منابع فلاحت در مشرق عربی (سوریه و شام) پرداخته است. نکته شایان ذکر در رساله محدود بودن پژوهش به معرفی منابع و پرداختن به هر نوع منبعی اعم از پزشکی، جغرافیایی، گیاهشناسی و... است که دارای اطلاعات در حوزه کشاورزی است. بوراوی الطرابلسی در پژوهشی منقح‌تر با عنوان *نشأة العلم الفلاحة العربی* به ریشه‌یابی منابع یونانی فلاحت‌نامه‌ها و مشخصاً تاثیر متن *فلاحة النبطیه* بر سایر آثار متاخرتر این حوزه پرداخته است.

آثاری که جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی کشاورزی را بررسی کرده‌اند، نسبتاً پرشماراند؛ مالک و زارع در ایران و اثر مکمل آن؛ *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران* بر مقوله‌های مرتبط با نظام تیول‌داری و زمین‌داری تمرکز کرده است. این کتاب یک مرجع معیار است که نه فقط برای ایران بلکه برای دیگر سرزمین‌هایی که به زیر یوغ سلجوقیان و جانشینان ایشان درآمد از جمله عراق، جزیره، آناتولی و شام، نیز مطالب ارزشمندی دارد. دامنه این کار گسترده است؛ ذخیره‌ای از جزئیات ملموس بر مبنای یک سندشناسی خوب و درک انتقادی درست. پرهیز نویسنده از تعمیم اطلاعات یک منطقه یا دوره منفرد نیز به همان ترتیب ستودنی است. از سوی دیگر این کتاب تا اندازه‌ای هم گیج‌کننده است زیرا لمبتون به معنای واقعی نکوشیده است که مواد تحقیق خود را انسجام بخشد. یک تفسیر بسیار مهم از مقطعی در تاریخ دوره میانه ایران را پتروشفسکی در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ایلخانی» (*تاریخ ایران کمبریج*، جلد ۵، صص ۴۸۳-۵۳۷) به دست داده است. آشکار است که پتروشفسکی از یک چارچوب مارکسیستی بهره گرفته است، اما شیوه‌اش بیش از اینکه جدل‌محور باشد تحلیلی است و در زمینه موضوع ما این رویکرد بسیار کارا به نظر می‌رسد.

نظام دیوانی عراق علاقه بسیاری از محققان را برانگیخته است. در دوره عباسی این الگو مورد اقتباس بیشتر دولت‌های شرقی جهان اسلام قرار گرفت؛ اما مطالعات اندکی به‌طور خاص بر نظام تیول‌داری و مدیریت زمین تمرکز کرده‌اند. یک بررسی عمومی و جدید از این مقوله را سامرایبی در دو فصل از *کشاورزی در عراق در قرن سوم هجری* به دست داده است. داده‌های زیادی را نیز می‌توان از *تاریخ العراق الاقتصادية فی القرن الرابع الهجری* اثر عبدالعزیز دوری بدست آورد.

متون فقهی کلاسیک در رابطه با «خراج» (به قلم ابو یوسف، یحیی بن آدم و قدامه ابن جعفر) مطالب زیادی برای مورخ تیول‌داری و امور دیوانی قصبات در عراق دارند. ادبیات تحقیقی قدیمی‌تر در این رابطه در این سه کار بازبینی و نقد شده است: فرد لوکه‌گارد، *خراج‌گیری اسلامی در دوره کلاسیک*، با ارجاع خاص به اوضاع عراق. دنیل دنت؛ *تغییر دین و مالیات سرانه در صدر اسلام*. حسین مدرسی طباطبائی؛ *خراج در فقه اسلامی* (بیشتر یک بررسی و نقد حقوقی از آموزه‌های مندرج در این متون تا کوششی برای طرح یک واقعیت عینی تاریخی).

این پیشینه در ایران بسیار محدود و تقریباً انگشت‌شمار است. در ایران انتشار و توجه به فلاحت‌نامه‌ها با اهتمام میرزا عبدالغفار اصفهانی؛ نجم‌الدوله (۱۳۲۶-۱۲۵۹ق) آغاز گردید. او مجموعه چهار کتاب مربوط به فلاحت را که بعدها مشخص شد یکی از آن‌ها آثار و احیاء رشیدالدین فضل‌الله بوده، در سال ۱۳۲۲ق به چاپ رساند. در دوره جدید چاپ ارشادالزراعه توسط محمد مشیری نخستین گام در پژوهش‌های مرتبط با فلاحت در ایران بود. ایرج افشار پس از معرفی فهرست‌نامه اهم متون کشاورزی در زبان فارسی با همکاری منوچهر ستوده آثار و احیاء رشیدالدین فضل‌الله همدانی را به چاپ رساندند. در مقدمه همین مجموعه مهدی محقق به طی مقاله‌ای به مرور آگاهی‌هایی درباره فن کشاورزی در اسلام پرداخته است. چاپ معرفت فلاحت و مفاتیح الارزاق به ترتیب توسط ایرج افشار و هوشنگ ساعدلو از آخرین کارهای این حوزه در ایران بوده است.

در حوزه پژوهش‌های ایرانی می‌توان گفت آفت پیش‌گفته دنیای عربی، در ایران نیز شایع است. البته برخی اظهار نظرهای ناشی از عدم بررسی دقیق کتاب‌های فلاحتی است و در سال‌های نسبتاً دراز رواج شیوه‌های پژوهشی جدید در کشور نیز اصلاح نشده و به همان سان و شاید به طریقی بی‌مایه‌تر تکرار می‌شود. نمونه آن *دانشنامه اسلامی کشاورزی*، منابع طبیعی و محیط زیست است که تا کنون سه جلد از آن منتشر و ظاهراً در ۱۷ جلد دیگر منتشر خواهد شد! (عاملی، ۱۳۹۰) جالب توجه اینکه این روند در میان مقالات علمی-پژوهشی نیز راه یافته است؛ نمونه آن مقاله *دانش کشاورزی در اندلس بر مبنای الفلاحة الاندلسیة ابن‌عوام* است که آکنده از مطالبی خطا، اغراق آمیز و عمدتاً غیرمستند است. گزاره‌هایی مانند: «اگر اعراب نبودند، زراعت در اروپا حتی یک گام هم به جلو بر نمی‌داشت» یا شاهد مثال آوردن فاصله درختان و گیاهان به عنوان نمونه‌ای از دانش ریاضیاتی ابن‌عوام؟! و ... نشان از کم‌توجهی مؤلف به محتوای منابع و تکرار کلیشه‌های گذشته است. (احمدزاده، ۱۳۹۴) نظر به فقدان همین پیشینه پژوهشی (نه جامع و بلکه اولیه) از موضوع رساله به زبان فارسی، ارائه تصویری نسبتاً جامع از سیر نگاه‌های این حوزه و تغییر و تحولات این دست از متون در پهنه تمدن اسلامی در شمار یکی از اهداف و برنامه‌های اصلی پژوهش حاضر قرار گرفت.

مشکلات پژوهش

عمده مشکل پژوهش حاضر دسترسی به متن فلاحت‌نامه‌ها بود. چه اینکه برخی از این متون به چاپ نرسیده و به صورت نسخ خطی در کتابخانه‌های مختلف جهان پراکنده‌اند. از میان این نسخ، برخی حتی به صورت انتقادی معرفی و بررسی نیز نشده‌اند. نگارنده برای گردآوری چنین مجموعه‌ای از منابع وقت و توان نسبتاً بالای صرف کرد. البته لازم به یادآوری است

که خوشبختانه محتوای ارائه شده در مجموعه Filāḥa Texts Project بخش عمده‌ای از این منابع را در بر داشت و نگارنده را از بسیاری جستجوهای زمان‌گیر و طاقت‌فرسا بی‌نیاز کرد. از میان متن‌های چاپ شده نیز که عموماً در کشورهای عربی و البته بخش بزرگی از آن‌ها در اسپانیا به چاپ رسیده، متأسفانه نسخه‌ای در کتابخانه‌های کشور وجود ندارد.

ساختار پژوهش

پس از کلیات بحث و طرح مسائل و پرسش‌های طرح در فصل دوم به تعریف و قلمرو مباحث فلاح‌نامه‌های دوره اسلامی پرداخته‌ایم. برای دریافتی دقیق از جایگاه این متون در منظومه کلی «علم دوره اسلامی» به بررسی زمینه تاریخی پژوهش پرداخته‌ایم. بررسی جایگاه فلاح‌نامه‌ها در تقسیم‌بندی علوم دوره اسلامی و تغییر و تحولات آن ضروری می‌نمود. همچنین به واسطه سرشت التقاطی علوم دوره اسلامی، تعیین سنت‌های تأثیرگذار و منابع عمده فلاح‌نامه‌ها محور بعدی بررسی قرار گرفته است. در این فصل کوشش شده تا با بررسی محورهای یادشده چگونگی شکل‌گیری دانش کشاورزی در سرزمین‌های اسلامی را در برهه زمانی موسوم به دوره ترجمه و انتقال و تثبیت این شاخه علمی طی قرون سوم و چهارم هجری شرح دهیم. در ادامه همین رویکرد سه مبنای عمده نظری فلاح‌نامه‌های دوره اسلامی؛ نظام طبایعی، فلاح‌نامه‌ها و نجوم و آموزه‌های دینی (اسلامی). حدود و ثغور هر یک از آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

به دلیل فقدان پیشینه پژوهشی منظم و منسجم در ایران، فصل دوم به معرفی و بررسی منابع فلاح‌نامی جهان اسلام اختصاص یافته است. در این فصل دو دسته عمده منابع؛ الف) فلاح‌نامه‌های دوره اسلامی ب) آثار جنبی فلاح‌نامی، به تفصیل معرفی و هر یک از آن‌ها به صورت توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم کارکردها و تحولات فنی فلاح‌نامه‌های دوره اسلامی معرفی و ارزیابی شده است. در این فصل کوشیده‌ایم دو کارکرد اصلی فلاح‌نامه‌ها در حوزه آموزش و مدیریت کشاورزی دوره اسلامی و نیز کارکردهای پزشکی و گیاه/داروشناسی این متون را معرفی کنیم. همچنین بخش عمده این فصل به ارزیابی تحولات فنی فلاح‌نامه‌های دوره اسلامی اختصاص یافته است. در این قسمت ما با ارزیابی وجوه مختلف فنی این متون از قبیل نویسندگان و مخاطبان، ویژگی‌ها و مختصات جغرافیایی فلاح‌نامه‌ها و محتوای فنی و عملی دستورالعمل‌های تجویز شده به سولاتی از قبیل امکان و استفاده عملی متون فلاح‌نامی پاسخ دهیم.

دستورنامه فلاح‌نامه دوره اسلامی که از مجموع مطالب و محتوای این متون استخراج شده پایان‌بخش این پژوهش است. در این بخش می‌کوشیم تصویری نسبتاً جامع از محتوای فلاح‌نامه‌های دوره اسلامی در ذیل هر یک از سرفصل‌های آن ارائه

فصل دوم: سنت فلاحت دوره اسلامی؛ شکل‌گیری و مبانی

زمینه تاریخی و سنت‌های تاثیرگذار در شکل‌گیری و تدوین آثار

الف) زمینه تاریخی

استحکام قدرت نسبتاً سریع مسلمانان، از اندلس و مراکش تا هند و همبسته شدن اقوام مختلف در یک قلمرو بزرگ دینی و یکسان شدن زبان و شکل زندگی در آنها با عنوان کلی "جهان اسلام"، فرصت خاصی فراهم آورد که همپای سیاست و اجتماع اسلامی سنتی متمایز از علوم در تاریخ بشری توسعه و تکامل یابد. این جریان متمایز در سیمای کشاورزی این مناطق نیز نمود مشخصی داشت. بر اساس پژوهش نوآورانه و اکنون کلاسیک واتسون از آغاز قرن سوم هجری با تثبیت حاکمیت اسلامی در خاورمیانه و بخش‌های وسیعی از کرانه‌های مدیترانه تحول عمده‌ای در سیستم کشاورزی این مناطق به وجود آمد. فتوحات مسلمانان باعث شد قلمروهای فتح شده، که نه تنها بزرگ، بلکه متنوع نیز بود، برای مدت نسبتاً مدیدی از یک قانون و در دراز مدت از یک زبان، یک مذهب و یک سیستم قانونی تبعیت کنند. جابجایی‌های عظیم جمعیتی و مهاجرت اعراب و بخشی از مردم در کشورهای فتح شده که مجبور به ترک موطن می‌شدند، مهاجرت‌هایی که تلاش برای توضیح یا حتی توصیف آن محکوم به شکست است، در بیشتر مناطق جهان اسلام آمیزه‌ای شگفت‌آور از مردم به وجود آورد. حکومت اسلامی از نظر استراتژیکی ممتاز بود و در هر سه قاره دنیای قدیم قرارگاه‌هایی داشت. پیش از فتوحات مناطق مختلف این امپراتوری، هر یک به تنهایی توسعه یافته بودند و در همه زمینه‌های زندگی از علم تا کشاورزی راه و رسم متفاوتی داشتند. (واتسن، ۱۳۷۴، ص ۳۱-۱۳۰) چه تحرک بالای مردم، کالاها و تکنولوژی و اطلاعات و ایده‌ها در قالب تجارت جهان اسلام و از سوی دیگر آیین‌های برانگیزاننده‌ای چون حج از مهم‌ترین عواملی بود که موجب گردهم‌آیی و مبادله فرهنگی و اقتصادی گسترده می‌شد. بنابراین تجارت و مذهب همراه با هم جوامع خارجی مسلمانان را به شبکه‌ای پیوند دادند که موجب ارتباط بین قاره‌ها شد. (واتسن، ۱۳۷۴، ص ۱۳۲)